

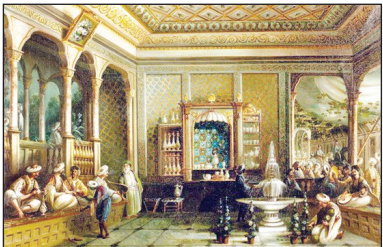
حمام «کید پیچی» یادگار ایرانیان در زنگبار



مهاجرت گروهی از ساکنان شیراز در قرن چهارم هجری به زنگبار، این منطقه را به یکی از حوزه‌های نفوذ فرهنگ ایرانی تبدیل کرد. عموماً به‌ویژه در نیم‌قرن اخیر، تلاش شده‌است که نشانه‌های این وابستگی فرهنگی به نحو گسترده‌ای زنده شود، اما ریشه‌دار بودن فرهنگ ایرانی در زنگبار، مانع این اقدام شده‌است. افزون بر این، هنوز هم در گوشه و کنار این جزیره، یادگاری‌هایی قدیمی از معماری ایرانی به چشم می‌خورد که حمام کیدپیچی یکی از آن‌هاست. ساخت این حمام که در فاصله ۱۰ کیلومتری از شهر زنگبار واقع شده، منسوب به شهربانو، یکی از دختران فتحعلی‌شاه قاجار است. وی به‌عقدسلطان پرغش، از سلاطین عثمانی حاکم بر زنگبار در آمدو در زنگبار که در آن ایام به پایتخت سلطان نشین عمان مبدل شده بود، رحل اقامت افکند. این حمام به‌سبک حمام‌های ایرانی در قرون ۱۱ و ۱۲ هجری ساخته شده‌است و چند خزینه دارد که ظاهر ابه دستور شهربانو خاتون و به‌وسیله یک معمار ایرانی ساخته شده‌است. بر سر در یکی از سالن‌های این حمام، قطعه شعری به زبان فارسی حک شده که البته هم اکنون به سبب جلبک‌هایی که دور آن را فرا گرفته‌است، بخش اعظم آن قابل خواندن نیست. به هر صورت، این حمام که روزانه صدها جهانگرد غربی از آن بازدید می‌کنند و دولت زنگبار نیز، آن را به‌عنوان یکی از آثار تاریخی مهم خود ثبت کرده، دارای اهمیت زیادی است. این معماری، حکایت از حضور گسترده ایرانیان در این جزیره، حتی در سده‌های اخیر و نقش مؤثر آنان در احداث ابنیه مختلف دارد.

گزارش تاریخی

مُشر فاصفهان‌ی؛ بنیان گذار شعر دادائیستی در جهان!



طنزنویسی و بذله‌گویی در ادبیات فارسی، تاریخچه‌ای قدیمی و شاید به قدمت زبان فارسی دارد. شخصیت‌ها و شاعران برجسته‌ای از دیرباز در این قالب قدم بر داشته‌اند؛ از عبید زاکانی در قرن هشتم که جزو مشهورترین آن‌هاست تا مرحوم کیومرث صابری، خالق «گل آقا»، همگی طنزپردازان عرصه ادبیات‌هستند که اغلب متعهدانه عمل می‌کردند؛ اما گاه در میان آن‌ها افرادی پیدا می‌شدند که دست به کارهای عجیب و غریب می‌زدند. یکی از شاعران این جریان که به طنزهای مهمل‌گویی شهره شد، «مشر فاصفهان‌ی» بود. او خسته‌ای گردآورده‌است که حتی یک بیت آن معنی ندارد! مرحوم محمدعلی جمال‌زاده روایت سرودن اشعار مشرف را به نقل از «رضاقلی خان هدایت» در «جمع‌الشفاح» چنین آورده‌است: «مُشر فاصفهان‌ی در باربندواصل سلاطین صفویه‌مباشر معاملات دیوانی بوده... به مزاح و طرافت معروف و به نظم ابیات بی‌معنی مشغوف. وقتی مدعی شده که پنج مثنوی به وزن کتب خمسۀ نظامی و دهلوی منظوم‌نماید، مُشر بر حکایات که بیتی از آن جمله را معنی نباشد. مقرر شد که اگر از عهده دعوی برآید، به‌هر بیتی مثقالی سیم‌ناب‌گیر دو گرابیتی را معنی بود، به‌هر بیتی دندانی از او بر کندنبور مغزش کوبند. چنین کردوبر سه بیت اومعنی برستندوسه دندانش بر کندنبور سرش کوفتندو برتمه‌راه‌عهده وفا کردند». نکته جالب‌ماجر این جاست که قرن‌ها بعد، مکتب‌پهنی در غرب، پس از جنگ اول جهانی شکل گرفت که به دادائیسم شهرت داشت و مبنای آن، بی‌نظمی و بی‌معنا بودن آثار هنری بود؛ کاری که مُشر فاصفهان‌ی در نهایت توانایی انجام می‌داد. جمال‌زاده در تعریف دادائیسم می‌نویسد: «هرچه شباهتش به هذیان بیشتر باشد، در نظر طرفداران آن طریقۀ مقبول‌تر است و بعد در مقایسه بین این نحلۀ هنری و اشعار مشرف فاصفهان‌ی متذکر می‌شود: «سه قرن پیش از این، در ایران شعریابی بوده‌اند که سبک دادائیسم را به طور اکمل معمول داشتند. مشرف فاصفهان‌ی به جنگ نظامی گنجوی رفت و خمسه‌ای نوشت که یک بیت آن معنی صحیحی نداشت... هیچ کدام از شعرای دادائیست فرنگی به گریز شاعر فاصفهان‌ی نامی‌رسند».

جواد نوائیان رودسری – مقاومت در برابر دانش و دستاوردهای علمی جدید، همواره در تمام دنیا وجود داشته و دارد؛ برخی از این مقاومت‌ها به علت روحیه محافظه کار انسان و ترس او از تغییر شرایط شکل می‌گیرد و برخی دیگر از آن‌ها، ناشی از تلاش‌های افرادی است که گسترش استفاده از دستاوردهای نوین را، مانعی بر سر راه کاسبی یا خطری برای موقعیت اجتماعی خود می‌پندارند. البته آن‌چه این روزها درباره خودداری، مقاومت و حتی مقابله برخی از افراد، در سراسر دنیا، علیه واکسن کرونایم بینید، افزون بر این دو علت، ناشی از بی‌اعتمادی به فرایند تولید و استفاده از واکسن نیز هست؛ هر چند که در نهایت افرادی که این گونه‌می‌اندیشند نیز، جان دیگران را به خطر می‌اندازند. اگر متون تاریخی را بررسی کنید، متوجه خواهید شد که در تاریخ ملت‌ها، چنین مقاومت‌هایی از روزگار ان

طبق گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۴۵، امیر برای کسانی که طفل آن‌ها به دلیل خودداری از دریافت واکسن توسط والدین، فوت می‌کرد، جریمه‌ای به مبلغ پنج تومان در نظر گرفته بود. با عنایت به این که تومان، معمولاً در قالب سکه‌های طلای ۳/۴ گرمی وجود داشت، این مبلغ به نرخ روزگار ماو البته با چشم‌پوشی از بوده‌است؛ جریمه‌ای به مبلغ ۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان امروزی (۱۷ گرم طلا به نرخ یک میلیون و ۱۴۷ هزار و ۶۰۰ تومان)

دور، وجود داشته‌است. این مقاومت‌ها، گاه با پیروزی مخالفان به پایان رسیده‌و البته، فرجامی شوم‌ر برای گذشتگان مارقم زده‌و زمانی هم، با عقب‌نشینی مقاومت‌کنندگان، خطری بزرگ از سر مردم دور شده‌است. نمونه قابل اشاره و توضیح آن، ماجرای آبله کوبی ایرانیان در عهد صدارت میرز اتقی‌خان امیر کبیر است. او نیز، با مقاومت‌هایی در میان برخی از مردم برای دریافت واکسن روبرو شد. در حالی که به دلیل مشکلات بهداشتی و اقتصادی، روز به روز جمعیت ایران کاهش می‌یافت، تلاش امیر برای مناسب نگه داشتن تراز جمعیت، با تقویت بهداشت عمومی و نیز، افزایش سرانه تغذیه، در دسرهای مختلفی را برای وی، به‌ویژه در عرصه بهداشت به وجود آورد. برخی از افراد، به بهانه‌های مختلف، از واکسن‌زدن کودکان جلوگیری می‌کردند و موج مخالف سهمگینی به‌راه می‌انداختند. تقابل امیر با خودداری‌کنندگان از دریافت واکسن، چنان که از او انتظار می‌رفت، تقابلی جدی و بدون رد و رد بایستی بود. وی می‌دانست که کوتاه آمدن بر سر این موضوع، چه عواقب سهمگینی برای مملکت در پی خواهد داشت.

■ ضمانت اجرای قانون واکسیناسیون
امیر کبیر نخستین واردکننده واکسن به ایران نبود. اولین بار در دوره فتحعلی‌شاهو باتلاش عباس میرزا نایب‌السلطنه، فناوری مربوط به آبله کوبی باهمان واکسن آبله‌وار د ایران شدو حتی دکتر کورمیک، پزشک مخصوص عباس میرزا، با فرمان وی، کتابچه‌ای درباره آبله کوبی و فواید آن نوشت که توسط محمد بن عبدالصبور خوئی طبیب، به زبان فارسی در سال ۱۲۰۸ ش منتشر شد؛ حتی گزارش‌هایی وجود دارد که محمدعلی میرزا دولتشاه، برادر عباس میرزا، از این شیوه برای جلوگیری از شیوع آبله در کرمانشاه مدد گرفت و موفقیت‌های محدودی هم به دست آورد. با این حال، آبله کوبی، تا زمان امیر کبیر جنبه عمومی نداشت و البته، واکنش‌ها هم به آن محدود بود. اما در دوره صدارت میرز اتقی‌خان، مسئله

آبله کوبی، جنبه عمومی و اجباری به خود گرفت. امیرمی‌دانست که با مقاومت‌های مختلفی در این زمینه روبرو خواهد شد؛ به همین دلیل، حکام ولایات را مکلف کرد که درباره واکسینه کردن مردم و به‌ویژه اطفال، سخت‌گیری کنند و حتی طبق گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۴۵، برای کسانی که طفل آن‌ها به دلیل خودداری از دریافت واکسن توسط والدین، فوت می‌کرد، جریمه‌ای به مبلغ پنج تومان در نظر گرفته بودند. با عنایت به این که تومان معمولاً در قالب سکه‌های طلای ۳/۴ گرمی وجود داشت، این مبلغ به نرخ روزگار ماو البته با چشم‌پوشی از برخی جوانب آن، جریمه سنگینی بوده‌است؛ جریمه‌ای به مبلغ ۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان امروزی (۱۷ گرم طلا به نرخ یک میلیون و ۱۴۷ هزار و ۶۰۰ تومان). گزارش وقایع اتفاقیه، شماره ۵۷، نشان می‌دهد که تعیین این جریمه از سوی امیر کبیر و اعمال قانون مربوط به آن در سراسر کشور، تأثیر مثبتی در روند واکسیناسیون داشته‌است: «در آن اوائل اهل آن جا (منظور ایالت گیلان است) احتراز از این معنی داشته‌اند. بعد از آن که بوضوح پیوست که این آبله کوبی بسیار مفید است و البته در مورد خطایان، دیوانیان سخت خواهند گرفت، تمامی اهل شهر در کمال میل و رغبت اطفال خود را می‌آوردند و آبله می‌کوبند».

■ مدیریت منعطف و مؤثر
با این حال، این سخت‌گیری‌ها، خشک و بدون انعطاف نبود. فریدون آدمیت در «امیر کبیر و ایران» به نقل از اعتضادالسلطنه می‌نویسد: «در سفر اصفهان روزی در چهل ستون امیر را برافروخته دیدیم. گمان بر دم که از سرحد خبر بدی رسیده، اما معلوم شد که فرزند ان صادق رنگ‌آمیز (رنگرز) و محمد کله‌پز از بیماری آبله مرده‌اند. امیر از آنان مؤاخذه کرد که چرا با وجود آن که دولت مایه آبله کوبی را فرستاده و در معابر هم جازده‌اند که اطفال را آبله بکوبید، قصور کرده‌اند؟ پس گفت: از هر یک پنج تومان گرفته، مرخص کنید

جریمه ۱۹ میلیون تومانی امیر کبیر علیه واکسن نزن‌ها

۱۷۲ سال قبل، به دستور میرز اتقی خان جریمه سنگین ۵ تومان طلا از امتناع کنندگان دریافت واکسن آبله اخذ می‌شد که مبلغ امروزی آن بالغ بر ۱۹ میلیون تومان است

■ قاطعیت در رعایت دستور العمل‌ها

امیر کبیر در دیگر موارد نیز، برای جلوگیری از زیربا گذاشتن دستور العمل‌های بهداشتی و در نتیجه، تهدید سلامت جامعه، قوانین سخت و سخت‌تعیین می‌کرد و شدت عمل نشان می‌داد. در جریان شیوع بیماری و با در بین‌النهرین و عربستان، امیر کبیر مأموران مرزی را موظف به سخت‌گیری در زمینه انجام قرنطینه کرد. همه کسانی که قصد ورود به ایران را داشتند، موظف بودند ابتدا در قرنطینه قرار بگیرند و پس از اطمینان از حالشان، وارد ایران شوند؛ برای کسانی که از غیر این مسیر، می‌خواستند از مرزهای ایران عبور کنند، افزون بر زندان، جریمه نقدی هم تعیین شده بود. با این حال، امیر ساختاری ایجاد کرد که مانع از سودجویی افراد و مأموران اهل رشوه‌گرفتن شود. او در حاشیه‌نامه‌ای که قانون قرنطینه در آن درج شده بود، نوشت: «مراقب باشید که این عمل مایه مداخل مستحقظین نگردد و بنای آزار و اذیت را نگذاشته، مترددین را به زحمت نیندازند، بلکه مایه نظم شود». همین نظم و ویژه بود که برنامه مختلف امیر کبیر را با پیروزی‌هایی قرین کرد؛ اما دسیسه‌های درباریان، سرانجام باعث برکناری و شهادت این فرزند بومند ایران زمین شد.



عروس کِشان بافیل!



ساخت. اما به نظر کار مهم دیگر او تلاش برای ازدواج پسرش، دوست‌محمدخان ۱۰ ساله، با عصمت‌الدوله، دختر ۱۲ ساله ناصرالدین شاه بود. در مراسم ازدواج، دختر شاه ابرپشت فیل نشاندند و از اندرون شاهی به منزل داماد آوردند. عصمت‌الدوله و دوست‌محمدخان هر دو هنرمند بودند. عصمت، اولین بانوی ایرانی است که پیانو می‌نواخت. دوست‌محمدخان نیز، به غیر از شغل خانوادگی، قریحه و ذوق خاندان معیر را به ارث برده بود و خط نستعلیق را به خوبی می‌نوشت و باسیاه قلم، آشنایی زیادی داشت. او اولین کسی است که با دستگاه فونوگراف، صدای آواز و سازهای استادانی چون حسینقلی خان، نایب اسدا... و میرزا حبیب سماعر اضبط کرد. وی در باغ معیر، عکاسخانه و تجاری مجهزی داشت و به خلق آثار هنری اش می‌پرداخت. دوست‌محمدخان معیر مالک، بخش وسیعی از بخش جنوبی باغ را به بستگان همسرش بخشید؛ بعدها نیز قسمتی از زمین‌های بخش شرقی را به پسرش دوستعلی معیری و گذار کرد تا در آن خانه‌ای جداگانه بسازد و پس از ازدواج با همسرش، در آن زندگی کند. این باغ بزرگ، در دوره پهلوی به تدریج تفکیک شد تا آن که آخرین ساختمان باقی‌مانده آن، در سال ۱۳۵۰ خورشیدی از میان رفت.

هوای به این بدی، نوبر است!

غلت بخور! او هم غلت خور دورفت پایین، هی زیر بدنش سنگ می‌آمد و آخ و ناله می‌کرد. تا بایبین رفت و برخواست؛ سرش گیج رفت و افتاد. خیلی خندیدیم. گفتیم حاجی حیدر آمد در این باو خاک ریش بتراشد. ناهار را آوردند که بخوریم، اعتمادالسلطنه آمد در کمال نجاست! صورتش خاکی بود. یک روز نامه داشتیم، دادیم خواند. حوصله‌مان سرفت. گفتیم برود که کمی بخوریم. هوای به این بدی نوبر است.



حمیدرضا حلاجیان – «باغ مُعیر» را که در جنوب محله سنکلیج و شمال محله مولوی تهران واقع بود، می‌توان یکی از بزرگ‌ترین باغ‌های تهران و حتی ایران دانست. باغی که مساحتش به ۳۰۰ هزار متر مربع می‌رسید و متعلق به خاندان مُعیر الممالک بود. خاندان مُعیر، جزو پرنفوذترین خاندان‌های سلسله قاجار بود و توانست با پیوندهای هوشمندانه، نفوذ خود را همیشه در دربار حفظ کند. حسینعلی خان معیر الممالک، بزرگ این خاندان، بنای باغ معیر را گذاشت؛ او که خزانه‌دار و عیارزن مسکوکات در دوره سلطنت محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار بود، شغل خود را پدرش که خزانه‌داری فعلی شاه را عهده‌دار بود، به ارث برد. مادرش حاجیه خانم، از افراد مورد وثوق و معاشران و ندیمان آسیه خانم، مادر فعلی شاه محسوب می‌شد. از همین رو، حاجیه خانم، فرانه خانم دختر فتحعلی شاه را برای پسرش انتخاب کرد؛ هر چند نوه‌های او از فرزانه شغل خانوادگی، قریحه و ذوق خاندان معیر را به ارث همسر دومش، شیرین شاه خانم بسطامی که دختر عمویش هم بود، صاحب پسری به نام دوستعلی خان نظام‌الدوله شد. دوستعلی خان، مانند پدر بزرگش، در دربار قاجار خزانه‌دار و عیارزن بود. او از علاقه‌مندان به هنر و معماری هم محسوب می‌شد. معیر الممالک مسئولیت امور معماری دربار ناصرالدین شاه را نیز، برعهده داشت و در این مقام توانست زمینه را برای بروز خلاقیت معماری در عصر خودش فراهم کند. دنیای مهم عصر قاجار، تکیه دولت و شمس‌العمار، هر دو زیر نظر او ساخته شد. دوستعلی خان همچنین چندبنای عام‌المنفعه و شخصی که بعضی از آن‌ها مثل شبستان مسجد جامع عتیق بازار، چاه معیر، مسجد معیر، جلولخان معیر، آب انبار معیر، کوچه باغ معیر، مدرسه معیر و حمام معیر، امروزه از لحاظ معماری ارزشمند هستند،

دسته گل موسولینی برای تر حیم محمد علی شاه قاجار!



محمد علی شاه و فاشیست‌های ایتالیایی، امیدوار بود. به همین دلیل، باید منتظر اتفاقات و اکتشافات بعدی بمانید.

آشپزها چه آشی برای دیکتاتورهای پختند؟



خود حمل می‌کرد، به مسافرت نمی‌رفت. در این بین، شاید هیچ کس مانند استالین تیم حفاظتی مخصوص نداشت. او اغلب در مهمانی‌های پر سروصدا شرکت می‌کرد و به این کار علاقه‌مند بود. استالین در بین پیش‌گذاشته‌ها، سوپ مرغ «اسناسیوی» را بیشتر از بقیه دوست داشت. آشپزهای استالین از جمله وفادارترین افراد به او بودند و البته به یک باره، از مقام آشپزی به مقام ژنرالی و وزارت می‌رسیدند! چندی پیش، پوتین اعلام کرده بود که پدر بزرگش آشپز لنین و استالین بوده‌است.

آشپزی برای دیکتاتورها از موضوعات پر رمز و راز و البته جذاب تاریخی است. بررسی رفتار دیکتاتورها با آشپزهایشان و علایق غذایی آن‌ها، گاهی ممکن است پرده از رازهای شخصیتی دیکتاتورها بردارد. این که استالین یا هیتلر با قه‌قافی و دیگران، چه می‌خوردند یا غذا را چگونه صرف می‌کردند، موضوع کتابی با عنوان «مصائب آشپزی برای دیکتاتورها» شده‌است. غذا برای دیکتاتورها، از منظر سلامت جایگاه ویژه‌ای داشت؛ به طوری که کیم ایل سونگ، دیکتاتور سابق کره شمالی، دستور داده بود که دانه‌های برنجی که او مصرف می‌کند، تک‌تک انتخاب کنند و یک موسسه تحقیقات پزشکی تاسیس کرده بود که تنها وظیفه آن بررسی راه‌های گوناگون، برای افزودن بر طول عمر او بود. از دیگر رفتارهای عجیب دیکتاتورها، می‌توان به این نمونه اشاره کرد که نیکلای چائوشسکو، آخرین رهبر حزب کمونیست رومانی، هر گاه



تاریخ جهان